مجید ابهری، جامعه‌شناس در گفت و گو با «آرمان ملی»:

«گسترش خط فقر» آسیب‌های روانی را هم بیشتر کرد

با خط فقر ۱۱ میلیونی، ۷۰ درصد مردم زیر خط فقرند؛ حالا چطور شما معتقدید خط فقر ۴ میلیون تومان است؟

برخی می‌خواهند با کمتر نشان دادن خط فقر شرایط را تغییر دهند

واقعیت در سفره مردم می‌گذرد نه در ارائه آمار و ارقام

۷۰ درصد اضطراب‌های اجتماعی ناشی از گرانی است

بسیاری از آسیب‌های اجتماعی ناشی از فقر است

برخی مسئولان با واقعیت‌های جامعه آشنا نیستند

به‌جای پاک کردن صورت مسأله باید مسأله را حل کرد

آرمان ملی – احسان انصاری: اظهارات معاون وزارت کار و رفاه اجتماعی درباره خط فقر با واکنش‌های زیادی در سطح جامعه مواجه شد. بر اساس اظهارات داریوش ابوحمزه خط فقر در جامعه بین چهار تا پنج میلیون تومان است. این در حالی است که بسیاری از کارشناسان خط فقر واقعی در جامعه را در حدود ۱۲ میلیون می‌دانند. سؤال اینجاست که چنین آمار و ارقامی به چه دلیل و با چه هدفی به جامعه ارائه می‌شود؟ «آرمان ملی» برای بررسی این موضوع با دکتر مجید ابهری جامعه‌شناس و رفتارشناس اجتماعی گفت‌وگو کرده است. دکتر ابهری معتقد است: «کسی که مدعی است خط فقر در کشور چهار میلیون است آیا این نکته را در نظر دارد که اجاره‌بها برای یک خانواده چهارنفری در حدود سه میلیون تومان است و در چنین شرایطی آیا کسی که چهار میلیون حقوق می‌گیرد می‌تواند با یک میلیون بقیه مایحتاج زندگی خود را در طول ماه تأمین کند. برای بنده این نکته جای سؤال دارد که چرا برخی گمان می‌کنند با کمتر نشان دادن خط فقر می‌توانند آن را تغییر دهند. این در حالی است که تغییرات باید در زندگی مردم به‌صورت ملموس وجود داشته باشد.» در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

معاون وزارت کار و رفاه اجتماعی خط فقـــر را در ایران حدود چهار میلیون می‌داند. آیا این رقم را متناسب با وضعیت اقتصادی جامعه می‌دانید؟ هدف از ارائه چنین آماری چیست؟

از نظر رفتارشناسی اقتصادی خط فقر سطح توانمندی اقتصادی افراد در تأمین نیازهای اولیه است. به همین دلیل نمی‌توان مبلغ دقیقی برای خط فقر تعیین کرد. در ایران قیمت کالاهای موردنیاز مردم به‌صورت ساعتی تغییر می‌کند و از سوی دیگر حداقل معاش در کشور ما مشخص نیست. در هفته گذشته یکی از مسئولان کشور خط فقر در کشور را در حدود ۱۱ میلیون عنوان کرد اما معاون وزارت کار و رفاه اجتماعی خط فقر را بین چهار تا پنج میلیون دانسته‌اند. واقعیت این است که در شرایط کنونی چهار میلیون تومان خط فقر سیاه است. شرایط اقتصادی و وضعیت معیشتی مردم به شکلی است که به‌راحتی می‌توان به وخامت اوضاع پی برد و خط فقر را بر اساس واقعیت‌ها مشخص کرد. با گرانی گوشت، مرغ، تخم‌مرغ، شیر و... شرایط به شکلی شده که یک کارگر، کارمند یا بازنشسته با مشکلات جدی در تأمین مایحتاج زندگی خود مواجه شده است. اگر به حداکثر و حداقل حقوق قشر آسیب‌پذیر جامعه دقت کنیم متوجه می‌شویم که نمی‌توان به‌راحتی یک رقم را به‌عنوان خط فقر مشخص کرد. تنها راه این است که سازمان برنامه‌وبودجه و وزارت اقتصاد با تشکیل کمیته‌ای از صاحبه‌نظران و کارشناسان ضمن ارزیابی قیمت کالاهای ضروری مشخص کنند که خط فقر در جامعه با توجه به چالش‌های موجود چه میزان است. اینکه هر فردی بر اساس سلیقه و دلخواه خود یک رقم را به‌عنوان خط فقر در جامعه مشخص کند از نظر علمی قابل‌قبول نیست. آیا واقعیت‌های جامعه ما به شکلی است که خط فقر در حدود چهار میلیون است؟ مشخص نیست چرا چنین رقمی برای خط فقر در کشور مطرح‌شده و چه هدفی از طرح این موضوع وجود داشته است. کسی که مدعی است خط فقر در کشور چهار میلیون است آیا این نکته را در نظر دارد که اجاره‌بها برای یک خانواده چهارنفری در حدود سه میلیون تومان است و در چنین شرایطی آیا کسی که چهار میلیون حقوق می‌گیرد می‌تواند با یک‌میلیون بقیه مایحتاج زندگی خود را در طول ماه تأمین کند. برای بنده این نکته جای سؤال دارد که چرا برخی گمان می‌کنند با کمتر نشان دادن خط فقر می‌توانند آن را تغییر دهند. این در حالی است که تغییرات باید در زندگی مردم به‌صورت ملموس وجود داشته باشد. خط فقر واقعی آن است که فرد پایین‌تر از آن نتواند به زندگی معمولی خود ادامه دهد و شرایط برای یک زندگی معمولی نیز فراهم نباشد.

در سال‌های اخیر میزان فقر در جامعه افزایش پیدا کرده و ما با فقر فراگیر در جامعه مواجه هستیم. مهم‌ترین پیامدهای اجتماعی فراگیر شدن فقر در جامعه چیست؟

افزایش قیمت کالاهای موردنیاز مردم به‌خصوص در دو سال اخیر که کشور با شیوع ویروس کرونا مواجه بودند و بسیاری از مشاغل تعطیل شدند باعث شده تعداد فقرا در جامعه بیشتر شود و این مسأله‌ای غیرقابل کتمان است. زمانی می‌توانیم ادعا کنیم که فقر در جامعه کاهش پیداکرده که اقشار آسیب‌پذیر جامعه بتوانند با دستمزدی که می‌گیرد حداقل نیازهای اولیه خود را تأمین کنند. فقر یک مقیاس چندبعدی است که بر اساس شرایط فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی یک جامعه تعریف می‌شود. خط فقر یک مرزبندی فرضی بین توانستن نتوانستن در تأمین نیازهای اساسی واصلی است و در جوامع مختلف همراه با مفاهیم دیگری مطرح می‌گردد. در کشور ما به علت شدت و ضعف وضعیت اقتصادی ناشی از عوارض جنگ تحمیلی و سال‌ها تحریم‌های ظالمانه و غیرانسانی، به مرزبندی فرضی خط فقر محور دیگری به نام خط فقر مطلق نیز افزوده گردیده است. در جوامع دیگر معمولاً سه لایه اقتصادی ضعیف، متوسط و خوب موردبحث و بررسی قرار می‌گیرد که متأسفانه به خاطر رخدادها و شرایط یادشده در کشور ما، فقط دوطبقه غنی و فقیر وجود داشته و تقریباً اکثر نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی اقتصادی، این طبقه‌بندی نظری را پذیرفته‌اند. معمولا نهادهای اقتصادی و سازمان‌های متولی در این زمینه‌ها در هر فصل، سطح درآمد برای تبیین این طبقات را تعیین و اعلام می‌کنند. در حال حاضر بر اساس اعلام نهادهای یادشده، میزان حقوق و درآمد ماهیانه برای قرار گرفتن در مرزبندی خط فقر یازده میلیون تومان تعیین گردیده است. تعیین کنندگان این میزان از حقوق بسیاری از افراد شاغل و بازنشسته اطلاع ندارند و گرنه باید متوجه می‌شدند که بازنشستگان که سهم مهمی در میان اقشار اجتماعی رادارند، حقوقشان کفاف ده روز از زندگی‌شان را نخواهد کرد. ۶۰ صد از این جمعیت در «بیابان غذایی» قرار دارند یعنی به گوشت، مرغ، ماهی و میوه‌جات تازه دسترسی ندارند. علاوه بر نکات تأسف‌آور یادشده از آنجا که سنین سالمندی دوران آشکار شدن و آزار بیماری‌های مختص این سنین مثل فشارخون، دیابت، دردهای استخوانی و بیماری‌های عصبی و قلبی است که هزینه‌های آنها مزید بر مخارج دیگراست. بر اساس واقعیت‌های ملموس و موجود، اینک خط فقر مطلق نیز به شاخص‌های یادشده افزوده گردیده است. اگر همین یازده میلیون تومان را مرز خط فقر بپذیریم، بیش از ۶۰الی ۷۰درصد جمعیت کشور زیرخط فقر و ۴۰ در صد زیرخط فقر مطلق یا فقر سیاه قرار داشته و روزبه‌روز به فشارهای وارده به آنها افزوده می‌شود.

> اقشار بیکار، کم‌درآمد و بازنشسته تأثیرپذیری بیشتری از گرانی و تورم لجام‌گسیخته در جامعه خواهند داشت. ۷۰ درصد از اضطراب‌ها در میان اقشار کم‌درآمد ناشی از گرانی است. وقتی نان‌آور خانواده توانایی تأمین نیازهای یک خانواده را ندارد، هنگام بازگشت به خانه دچار اضطراب و استرس می‌شوند

چرا در حالی که میزان فقر در جامعه مشخص است و مردم نیز این موضوع را به‌خوبی درک می‌کنند برخی مسئولان تلاش می‌کنند با پاک کردن صورت مسأله شرایط را به شکل دیگری نشان بدهند؟

بنده به‌عنوان یک آسیب‌شناس اجتماعی با چهل سال فعالیت در زمینه میدانی و نظری دلیل کاهش میزان خط فقر را توسط برخی از مسئولان متوجه نمی‌شوم. به نظر می‌رسد برخی از مسئولان با واقعیت‌های جامعه آشنا نیستند و یا اینکه به‌جای اینکه مسأله را حل کنند تلاش می‌کنند صورت مسأله را پاک کنند. برخی نیز گمان می‌کنند اگر چنین آمارهایی را به جامعه اعلام کنند فقر در جامعه کاهش پیدا می‌کند. واقعیت آن است که در سفره و زندگی مردم می‌گذرد و با اعلام عدد و رقم نمی‌توان شرایط را به شکل دیگری نشان داد. کاهش دادن آمار تغییری در وضعیت فقر در جامعه ایجاد نمی‌کند و نمی‌توان با پاک کردن صورت مسأله مشکلات جامعه را به‌خصوص درزمینه فقر کاهش داد. خط و خط‌کشی‌های اقتصادی معمولا بر اساس استانداردها و تعاریف ثابت علمی تبیین و عرضه می‌گردد. یکی از این معیارها که شرایط اقتصادی یک کشور، بانی تعیین آن است، خط فقر است. در تمام کشورها نهادها و سازمان‌های پولی و اقتصادی، متولی تعیین این خط مهم بوده و تولید ناخالص ملی، درآمد سرانه و شاخص‌های مالی دیگر مثل قدرت خرید، شاخص‌های عمده و خرده‌فروشی و نرخ تورم نیز در این محورها در نظر گرفته می‌شود. در برخی مقاطع برخی از این معیارها دستخوش تعیین و عرضه شخصی شده و با قطعیت یافتن، برای مدتی مشخص و محـــدود کاربرد پیـــدا می‌کنند. تعیین و اعلام خط فقـــر اگر بدون توجه به شرایط ملمـــوس و واقعیات جامعه باشد مشکلات جدیدی در جامعه به وجود می‌آورد. در همین چند روز دیدیم در کشور ترکیه چه اتفاقاتی افتاد، مردم ترکیه اکثر دلارهای خود را به لیر تبدیل کرده و به حمایت اقتصادی از دولت خود پرداخته و اجازه ندادند دلار رشد سرطانی پیدا کند و دیدیم که حمایت یکپارچه مردم از سیاست‌های مالی و اقتصادی دولت اجازه نداد آمریکا کشورشان را به‌زانو درآورد. متأسفانه برخی از هموطنان اگر در شرایط ترکیه قرار داشتیم با هجوم وخرید دلار پول ملی خود را ضعیف‌تر می‌کردند.

> برخی از مسئولان با واقعیت‌های جامعه آشنا نیستند و یا اینکه به‌جای اینکه مسأله را حل کنند تلاش می‌کنند صورت مسأله را پاک کنند. برخی نیز گمان می‌کنند اگر چنین آمارهایی را به جامعه اعلام کنند فقر در جامعه کاهش پیدا می‌کند. واقعیت آن است که در سفره و زندگی مردم می‌گذرد و با اعلام عدد و رقم نمی‌توان شرایط را به شکل دیگری نشان داد

به چه میزان آسیب‌های اجتماعی را ناشی از گرانی و فقر می‌دانید؟

بسیاری از آسیب‌های اجتماعی امروز جامعه ایران ناشی از گرانی و فقر است. اقشار بیکار، کم‌درآمد و بازنشسته تأثیرپذیری بیشتری را از گرانی و تورم لجام‌گسیخته در جامعه خواهند داشت. ۷۰ درصد از اضطراب‌ها در میان اقشار کم‌درآمد ناشی از گرانی است. وقتی نان‌آور خانواده توانایی تأمین نیازهای یک خانواده را ندارد، هنگام بازگشت به خانه دچار اضطراب و استرس می‌شوند. در پاسخگویی به همسر و فرزندان هم این استرس به سراغ آنها می‌آید. فشارهای روحی و روانی باعث بروز تنش‌های رفتاری می‌شود، این‌گونه افراد با کوچک‌ترین تنش اجتماعی از کوره دررفته و باخشم با شهروندان برخورد می‌کنند. نزاع‌هایی مانند بوق زدن و دعوا بر سر جای پارک ناشی از فشارهای روحی و عصبی است و هیچ‌کسی دلیل خود را مطرح نمی‌کند. بر سر بهانه‌های کوچک همانند سوار و پیاده شدن از ماشین، انتظار برای سوارشدن در تاکسی درگیری لفظی و فیزیکی آغاز می‌شود. سیاری از زوج‌ها به‌ویژه کسانی که تازه ازدواج کرده‌اند به فرزندآوری تمایل ندارند و خانواده‌های تک‌فرزند هم به فرزند آوری بیشتر فکر نمی‌کنند. وقتی اقلام بهداشتی یا شیر خشک نوزادان با قیمت گزاف عرضه می‌شوند، خانواده‌ها حتی اگر پدر و مادر هر دو شاغل باشند نمی‌توانند هزینه‌ها را تأمین کنند.

در چنین شرایطی دولت چه رویکردی باید برای کاهش سطح فقر در جامعه در پیش بگیرد؟

دولت آقای رئیسی در مدت‌زمانی که روی کار آمده موفق شده اقدامات مؤثر و مفیدی برای کاهش فقر در جامعه انجام بدهـــد. بسته‌های حمایتی و کمک‌هـــای نقدی بـــه نیازمندان در این دولت وجود داشته و امید است که در آینده نیز وجود داشته باشد. واقعیت این است که باید به دولت آقای رئیسی فرصت داد تا بتواند سیاست‌های خود را به‌خوبی ایفا کند. شرایط امروز جامعه تا حدود زیادی میراثی است که از دولت گذشته به ارث رسیده و در شرایط کنونی در حدود ۹۰ درصد کارکنان دستگاه‌های اجرایی متعلق به دولت گذشته هستند و تغییر نکرده‌اند. اگر قرار است تغییری درزمینه مبارزه با فقر در جامعه صورت بگیرد باید نگرش مدیران جامعه تغییر کند که این اتفاق نیازمند زمان بیشتری است. در ماه‌های گذشته تنها وزرا و معاونان آنها تغییر پیداکرده‌اند. این در حالی است که با این نوع تغییرات نمی‌توان به تغییرات اساسی در سیاست‌ها و رویکردها امیدوار بود. باید تغییرات به‌صورت گسترده صورت بگیرد و نگرش مدیران نسبت به مشکلات جامعه تغییر کند. دولت رئیسی تا امروز موفق شده کارنامه قابل قبولی برای خود به وجود بیاورد. بسته‌های حمایتی و سیاست‌های جدی برای ایجاد اشتغال‌زایی باعث می‌شود که شرایط برای افزایش فقر در جامعه از بین برود و تعداد فقرا کاهش پیدا کند. در این زمینه دولت باید اراده جدی از خود نشان بدهد و از مردم بخواهد که در این زمینه به دولت کمک کنند.

یدا... طاهرنژاد در گفت‌وگو با «آرمان ملی» مطرح کرد:

«رفع تحریم‌ها» رسیده به ایستگاه آخر

آیت‌ا... هاشمی مخالف یارانه بود

پرداخت یارانه به حساب مردم، عوام فریبی است

فضا برای حل مساله و برداشته شدن تحریم‌ها مساعد است

آرمان ملی – مطهره شفیعی: هر روز که از رحلت آیت‌ا... هاشمی می‌گذرد، خسارات و تبعات این نبودن بیش از همیشه نمایان می‌شود. به‌راستی اگر او بود، رای به تداوم اعطای یارانه می‌داد یا مانند دولت پس از جنگ که رئیس جمهورش بود، راهکار دیگری داشت که منجر به سازندگی می‌شد؟ اگر آیت‌ا... هاشمی در قید حیات بود چه توصیه‌ای به مذاکره‌کنندگان هسته‌ای داشت و آیا او همان‌طور که دخترش فائزه به «آرمان ملی» گفت با آمریکا مذاکره می‌کرد تا تحریم‌ها را لغو کند. حتی مخالفان آیت‌ا... هاشمی هم تردیدی در هوش اقتصادی او نداشتند که نمونه آن سامان دادن اقتصاد پس از جنگ بود. او مخالف یارانه بود و مانند بسیاری از بزرگان کشور آن را نوعی توهین به مردم قلمداد می‌کرد. به اعتقاد آیت‌ا... هاشمی باید با توسعه کشور و ایجاد امکانات و اشتغال در جامعه، مردم را از دریافت یارانه بی‌نیاز کرد. یدا... طاهرنژاد فعال سیاسی اصلاح‌طلب که روابط نزدیکی با آیت‌ا... هاشمی داشت، درباره تفکرات و دیدگاه‌های اقتصادی ایشان با «آرمان ملی» به گفت‌وگو پرداخته است که می‌خوانید.

چند وقتی است که شاهد مشکلات معیشتی مردم و وضعیت نابسامان اقتصادی هستیم که نتیجه آن تجمع‌های کارگران، معلمان و حتی کارکنان قوه قضائیه و... است. تصور می‌کنید با توجه به دستاوردهایی که آیت‌ا... هاشمی در دوران حیاتشان در بخش اقتصادی داشتند در این مقطع چه راهکاری ارائه می‌کردند؟

خدا آقای هاشمی را رحمت کند. انسان در این روزها جای خالی ایشان را بیشتر احساس می‌کند به‌ویژه وقتی این اندازه سردرگمی در لایه‌های مختلف وجود دارد و هیچ راهکار روشنی برای مشکلات اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی ارائه نمی‌شود، جای خالی آن بزرگمرد تاریخ بیشتر احساس می‌شود. ایشان در مقاطع مختلف همواره برای حل مشکلات و بحران‌ها دارای ایده و انگیزه و هم اینکه منشأ اثر و حرکت بودند. افراد اندیشمند زیادی در کشور به آقای هاشمی تعلق خاطر داشتند چرا که ایشان با دقت و حوصله به نظرات و دیدگاه‌های مختلف حتی مخالفان توجه می‌کردند و در مورد موضوعات مختلف با آنها بحث می‌کردند تا به راه حل خوبی برسند و هیچگاه سبب فشار بر یک صنعت یا جریان نمی‌شدند. ایشان پس از یافتن راهکارها بود که آنها را در دیدار با مقامات مختلف مطرح می‌کردند. متاسفانه این جایگاه اکنون خالی است و هیچ شخصیتی نتوانسته این جای خالی را پر کند. جای خالی آیت‌ا... هاشمی در این روزها بیش از همیشه احساس می‌شود به‌ویژه که شاهد اعتراضات مردم به وضعیت اقتصادی و معیشتی خودشان هستیم. اگر آیت‌ا... هاشمی بودند، حتما تدبیری داشتند.

البته آیت‌ا... هاشمی در پیشبرد مسیـــر سازندگی با موانع و مانع تراشی‌های زیادی مواجه بودند که ظاهـــرا بدون توجه به این مخالفت‌ها به ادامه مسیـــری پـــرداختند کـــه به صلاح کشـــور و سازندگی می‌دانستند. اینطور نیست؟

از ابتـــدای انقلاب موضـــوع اقتصادی و معیشت مردم برای آقای هاشمی موضوع مهم و اصلی بود. شما در خاطرتان نیست اما ایشان موضوع مترو را در نماز جمعه مطرح کردند.

دلیل طرح مترو در نماز جمعه چه بود چرا که سابقه ندارد چنین موضوعاتی در نماز جمعه مطرح شود و عجیب بود.

زمانی که جامعه شناختی از مترو نداشت، بسیاری از بزرگان کشور بدون اینکه شناختی از مترو و نقش آن در حمل و نقل شهری و رفاه عمومی آن داشتند، با آن مخالفت می‌کردند و به همین دلیل بود که آیت‌ا... هاشمی مجبور شدند به توضیح یک موضوع بدیهی در نمازجمعه بپردازد.

دستاوردهای دیگر چه بود؟

توسعه صنعت فولاد و سیمان و پتروشیمی که در دوره تحریم، کشور را به معنای واقعی نجات داد و از بحران و فروپاشی دور کرد، از دستاوردهای آقای هاشمی و دولت ایشان بود. توسعه پارس جنوبی از بنیان‌های مبارکی بود که آقای هاشمی پایه‌گذاری کرد. ایشان اولین بار وارد منطقه شد، شناسایی دقیقی از مولفه‌های منطقه به‌دست آورد و پس از آن بود که کار توسعه را با سرعت ادامه داد و حتی با آمریکایی‌ها مذاکره کردند. آیت‌ا... هاشمی از آن زمان تا روز فوتشان در مراتب و موضوعات مختلف نقش‌آفرینی کردند و این نقش‌آفرینی سبب حل بسیاری از مشکلات کشور شد.

> جای خالی آیت‌ا... هاشمی در این روزها بیش از همیشه احساس می‌شود به‌ویژه که شاهد اعتراضات مردم به وضعیت اقتصادی و معیشتی خودشان هستیم. اگر آیت‌ا... هاشمی بودند، حتما تدبیری داشتند

در حوزه سیاسی چه مواجهه‌ای با مخالفان اعتدال داشتند؟

آیت‌ا... هاشمی در بسیاری مواقع به تعدیل دیدگاه‌های تند و افراطی می‌پرداخت و بسیاری از مواضع افراطی به‌خاطر حضور آقای هاشمی و اقتدار ایشان بود که تعدیل می‌شد یا اصلا طرح نمی‌شد. اقتدار و منش آیت ا... اجازه تندروی را به برخی افراد نمی‌داد. متاسفانه اکنون در خلأ آن بینش متعالی با شرایطی مواجه هستیم که هر فردی هر چه تمایل دارد بر زبان می‌آورد. این روزها جای آقای هاشمی بسیار خالی است و احساس دلتنگی می‌کنیم.

به زیرساخت‌هایی که در زمان جنگ تخریب شد، اشاره نکردید. تصاویری از آن دوران هست که نشان دهنده تخریب کامل برخی مناطق بود.

بله. دقیقا همین‌طور است. زمانی که آقای هاشمی، رئیس‌جمهور شد، زیرساخت‌های ۱۰ استان کشور به‌صورت کامل و نیمه کامل ویران شده و زیرساخت‌ها از بین رفته بود. در سراسر کشور با خاموشی مواجه بودیم و آب آشامیدنی در برخی در روستاها و حتی شهرها وجود نداشت. نیازهای اولیه مردم بر اثر فرسایش تدریجی امکانات کشور در زمان جنگ با تنگنای شدید مواجه شده بود. در این شرایط آقای هاشمی در ۸ سال دولتش بنیانی گذاشت که بعد از آن همین بنیان قوی توانست اقتصاد دولت اصلاحات را در امور اقتصادی موفق کند. آن زیرساخت‌ها در زمان آقای هاشمی ایجاد شد و نمی‌توان به دوره دیگری نسبت داد چراکه بنیان‌های محکم و حساب شده‌ای بود که توانستند بسیاری از کاستی‌ها را جبران کنند.

آیت‌ا... هاشمی تا چه اندازه قائل به استفاده از منابع و کمک‌های خارجی بودند؟

عکس: آرمان ملی / حجت سپهوند

آقای هاشمی با وارد کردن منابع از خارج کشور به طرق مختلف توانست منابع قابل توجهی به اقتصاد کشور پس از جنگ کمک کند به نحوی که ۱۰ استان کشور بازسازی و مشکلاتی مانند برق حل شد. سدها و راههای ارتباطی زیادی ساخته شد. من فکر نمی‌کنم دولتی پس از انقلاب به اندازه دولت آقای هاشمی در توسعه زیرساختهای کشور نقش داشته باشد.

با این همه اما انتقادات زیادی از میزان افزایش تورم در دولت سازندگی هست.

برخی انتقاد می‌کنند در زمان آقای هاشمی نرخ تورم به بیش از ۴۰ درصد رسیده بود اما اشاره‌ای به رونق بی‌نظیری نمی‌کنند که در دولت آقای هاشمی ایجاد شد. این رونق در هیچ مقطعی یعنی از سال ۵۰ بعد در کشور ایجاد نشده بود و رشدی که در اقتصاد کشور ایجاد شد، بی‌نظیر بود. تصور می‌کنم تاریخ ایران در آینده از آقای هاشمی به عنوان شخصیت برجسته‌ای یاد خواهد کرد که در همه ابعاد علمی، فقهی، اجتماعی، اقتصادی و سازندگی دارای نقش موثر بود.

اکنـــون ارائه یارانه به عنوان کمکی به مـــردم برای گذراندن زندگی است اما ظاهرا این یارانه اندک پاسخگوی نیازها نیست. چرا آیت‌ا... هاشمی در دورانی که رئیس‌جمهور بود، به مردم یارانه نداد؟

آقای هاشمی مخالف یارانه بود. اسلام هم مخالف یارانه است و اقتصاد صدقه‌ای مورد پذیرش اسلام نیست و اسلام تاکید زیادی به حرمت انسان‌ها دارد. حکومت موظف است زیرساخت‌های اقتصادی را به نحوی ساماندهی کند که افراد جامعه بتوانند معیشت شرافتمندانه خود و خانواده‌اش را تامین کنند و دست نیاز به سمت حکومت دراز نکنند. اخیرا آقای جوادی آملی در این خصوص به آقای رئیس جمهور تذکر هم دادند که «اسلام اجازه نمی‌دهد که کرامت انسان‌ها ضایع شود. "اقتصاد باید به گونه‌ای شکوفا شود و توسعه پیدا کند که هر فردی معیشت خود را ساماندهی کند. اکنون این یارانه‌ای که به مردم پرداخت می‌شود چه دردی از مردم دوا می‌کند؟ چندی پیش دیدم که نماینده چابهار گفته است «با پول یارانـــه حتی نمی‌توان یک ماست نـــمی‌توان خرید."یعنی قیمـــت ماست بیشتر از یارانه است. چرا آقای هاشمی باید با درایتش از این پول اندک که یارانه نام دارد، نفعی هم در زندگی مردم ندارد و ۴۰ تا ۵۰ هزارمیلیارد از منابع عمومی کشور در سال صرف آن می‌شود، دفاع می‌کرد؟ از ابتدا معلوم بود که دادن یارانه به مردم عوام فریبی است و دردی از مردم دوا نمی‌کند.

> اینکه مردم سر ماه یارانه بخور و نمیری بگیرند، نه خلاقیت شکوفا می‌شود و نه کرامت‌شان حفظ خواهد شد و نه دردشان دوا می‌شود، بنابراین یارانه از اول چیز عبثی بود

مانند بسیاری از کارشناسان از اعطای یارانه به مردم انتقاد کردید. پیشنهاد خودتان برای بهبود وضعیت اقتصادی و معیشتی کشور چیست؟

اگر دولت‌ها در آینده بخواهند به دنبال توسعه و ترویج اعطای یارانه برونند باید بدانند این راه به ناکجا آباد ختم می‌شود. کشور باید توسعه پیدا کند، منابع تزریق شود، اقتصاد شکوفا شود، رشد رقم بخورد و معیشت مردم بر اثر کار و تلاش تامین شود. اینکه مردم در خانه بنشینند و سر ماه یارانه بخور و نمیری بگیرند، نه خلاقیت و استعدادشان شکوفا می‌شود و نه کرامت‌شان حفظ خواهد شد و نه دردشان دوا می‌شود، بنابراین یارانه از اول چیز عبثی بود و در آینده نیز عبث و بیهوده خواهد بود.

تحریم چه تاثیری در این شرایط گذاشته است؟

همه عقلای کشور گفتند که باید با دنیا تعامل کنیم و اگر تعامل سازنده داشته باشیم، تحریم هم نخواهیم داشت. من فکر نمی‌کنم که ضرورتی داشته باشد که این اندازه مردم را در مضیقه و مشقت قرار دهیم و زیرساخت‌های اقتصادی کشور را نابود کنیم و زیر بار تحریم بمانیم. اکنون فضا برای حل مساله و برداشته شدن تحریم‌ها مساعد است البته در دولت قبل هم آماده بود. به نظر من، امروز خیر دنیا و آخرت در این است که همه تلاش کنند تحریم‌ها برداشته شود. اقتصاد ایران ظرفیت بالایی برای شکوفایی دارد. ایران به‌صورت بالقوه کشور ثروتمندی است و هم اکنون نیز این ثروت در کشور وجود دارد. اکنون کشور ما در منطقه و شاید هم جهان کم بدهکارترین کشور است بنابراین کاملا مسیر برای توسعه سرمایه‌گذاری فراهم است و فقط کافی است که قیود از دست و پای اقتصاد کشور باز شود. سنگین‌ترین قید نیز همین تحریم است که کشورمان را با تنگناهای شدیدی مواجه کرده است.

آیت‌ا... هاشمی تا چه اندازه برای لغو تحریم‌ها دغدغه داشتند و راهکار ارائه می‌کردند؟

آقای هاشمی مخالف تحریم بود و معتقد بود که باید به هر صورت که امکان دارد، این تحریم‌ها برداشته شود. ایشان مخالف اختلاف با همسایه‌ها و موافق تعامل با دنیا و برداشته شدن تحریم بود. دولت آقای روحانی و تیم مذاکره کننده را به شدت حمایت می‌کرد. یک بار به طور علنی در مقابل آنهایی که می‌گفتند تحریم خوب است، موضع گیری کرد که «تحریم نه تنها هیچ خوب نیست بلکه تمام زیرساخت‌های اقتصادی کشور را تهدید می‌کند و معیشت مردم را در تنگنا قرار می‌دهد.“ فکر می‌کنم مجموعه صحبت‌ها و مواضع آقای هاشی را اگر همین امروز هم بازگو کنند، برای کشور خیلی راهگشا خواهد بود. البته باید به این نکته هم اشاره داشت که تحریم برای کاسبان ضرر نداشت چرا که آنها توانستند منابع زیادی را از کشور بدون هیچ ممیزی و کنترل خارج کنند و خیلی از این منابع رفته و برنگشته است. یک بار وقتی آقای به‌همنی فهرستی از ارقامی که از کشور خارج شده و برنگشته را توضیح می‌داد، حالش بد شد. اینها فرصت‌طلبان و منفعت‌طلبان تحریم بوده و هستند که تلاش می‌کنند مذاکره انجام نشود، تعامل شکل نگیرد و توافق انجام نشود. آنها سودهای مقطعی و کوتاه مدت خود را به منافع کشور ترجیح می‌دهند که این روند عاقبت خوبی هم برای کشور و خود آنها ندارد. چراکه اگر فقر در کشور گسترش پیدا کند، مرفهین نیز امنیت نخواهند داشت. اتفاقات اخیری در جامعه رخ می‌دهد. دلیل بسیاری از اعتراضات معیشتی وضعیت بغرنج اقتصادی مردم و نشان دهنده این است که اگر فقر گسترش پیدا کند، برای هیچ‌کس امنیت وجود ندارد. حتی آنهایی که از تحریم کاسبی می‌کنند، نمی‌توانند از کسب خود سود ببرند و بهره‌اش را با آرامش ببرند البته اگر وجدان داشته باشند که در هیچ حالتی نمی‌توانند اما اگر وجدان هم نداشته باشند ناامنی آنها را به خودشان خواهد آورد و خواهند دید که این مسیر مسیر درستی نیست.

گزارش

انتخابی بهتر از مذاکره نیست

جلال میرزایی
تحلیلگر مسائل بین‌الملل

زمان برای توافق بسیار کوتاه است. هر چند نباید به واسطه کوتاهی زمانی و تعجیل، دست پاچه شویم، اما باید در این زمان کوتاه به یک نقطه مطمئن در وین برسیم. اکنون دولت بایدن با یک برتری شکننده و نسبی در مجلس نمایندگان و سنا می‌تواند قدرت اجرایی تعهدات برجامی را داشته باشد. پس اگر در این مدت تا نوامبر ۲۰۲۲ بتوانیم به یک توافق جامع و کامل در وین برسیم که چه بهتر، اما اگر این مسئله حاصل نشد باید یک توافق، ولو یک توافق موقت در دستور کار باشد. مطمئن باشید توافق کوتاه‌مدت به ضرر ایران نیست، منتهی در این فاصله باید ایران بتواند با مدیریت صحیح خود، ابزارهای چانه زنی در میز مذاکره را حفظ کند که اگر احیاناً جمهوریخواهان کنگره را به دست گرفتند در ادامه توافق موقت بتوانند از این ابزارها در راستای رسیدن به یک توافق جامع و کامل استفاده کنند. هم پررنگ‌تر شدن بحران معیشتی، تشدید چالش‌ها و مشکلات اقتصادی مردم و هم روی کار آمدن دولتی که بیش‌ترین همراهی، همسویی و حمایت را از نگاه حاکمیت دارد و در کل یکدست شدن قدرت در هر سه قوه نوعی اطمینان خاطر را به حاکمیت داده است که اکنون می‌توان مذاکرات را در یک چارچوب مطمئن و مد نظر آنها پیش‌برد. به هرحال سیاست داخلی روی سیاست خارجی و دیپلماسی اثرگذار است، همان‌گونه که دیپلماسی هم روی سیاست داخلی اثر خود را دارد. این تنها منحصر به ایران نیست، در همه کشورها این یک اصل اساسی است. تنها تفاوت به اولویت بندی‌ها و تاثیر این اولویت‌ها بر حوزه سیاست داخلی و سیاست خارجی باز می‌گردد که در هر کشوری متفاوت است. پیرو این نکته به نظر می‌رسد که تغییر موضع حاکمیت در خصوص مذاکره نشان می‌دهد که انتقادات، اتهام زنی‌ها، حملات، هجمه‌ها و حتی تهدید علیه دولت حسن روحانی پیرامون مذاکره برای احیای برجام صرفاً به همین تاثیر و تاثر مسائل سیاسی داخلی و سیاست خارجی باز می‌گردد. لذا در شرایطی که دولت سیدابراهیم‌رئیسی روی کار آمده است، قدرت یکپارچه و یکدست شده است، تیم مذاکره کننده مشخص شده و چند دور مذاکرات در وین پی گرفته شده و نتایج آن هم مشخص شده است، اکنون برای جریان قدرت مسجل شد که باید به همان سیاق و مسیر دولت روحانی بازگشت. اکنون این حاکمیت یکدست شده در جمع بندی خود به این نتیجه رسیده است که تنها راه تحقق منافع ملی همان راهی بود که در دولت حسن روحانی در خصوص مذاکرات انجام شد. یعنی دیگر شعار دادن، نگاه صرف به داخل و برخی ماجراجویی‌های منطقه‌ای و جهانی نمی‌تواند پاسخگوی شرایط کنونی کشور باشد. جریان قدرت در همین چند دور مذاکره وین فهمیده است که ابزار و منابع کافی برای به کرسی نشاندن مطالبات خود را ندارد. بنابراین به تدریج تعدیل در مواضع را در دستور کار قرار داد. خوشبختانه فضای سیاسی داخلی هم با این تغییر موضع همراهی کرده است تا هزینه بیشتری برای مردم و جامعه در بر نداشته باشد. علاوه بر آنکه بخشی از مخاطبان سخنرانی یکشنبه هفته جاری رهبری در داخل کشور بود و تا اندازه‌ای هم مخاطبان بیرونی و خارج از کشور به خصوص اعضای ۴+۱ و آمریکا را هم شامل شود. یعنی با این موضع گیری رهبری عملاً برای واشنگتن و اعضای ۴+۱ روشن شد که اکنون جمهوری اسلامی ایران در عالی‌ترین سطح خود یعنی حاکمیت با مذاکره موافق است. بنابراین باید هر چه زودتر توافقی در وین حاصل شود. چون دیگر مخالفتی در سطوح عالی ایران پیرامون مذاکره و احیای توافق هسته‌ای وجود ندارد. واقعیت امر آن است که برخلاف آنچه که تصور می‌شد زمانی که دولت بایدن روی کار آمد عجله‌ای برای ازسرگیری مذاکرات احیای برجام در دولت روحانی نداشت. چون استنباط دولت بایدن این بود که دولت روحانی با طیف وسیعی از مخالفان جدی داخلی، هم در مجلس یازدهم، هم قوه قضائیه دوره رئیسی و هم در بدنه حاکمیت و هم در سطوح نظامی و... مواجه است. بنابراین هر گونه تلاش برای توافق در دولت روحانی نهایتاً یک توافق شکست شکننده و ناپایدار را شکل خواهد داد. لذا ترجیح واشنگتن آن بود که با وقت گذرانی در مذاکرات وین منتظر نتایج انتخابات ریاست جمهوری در ایران و روی کار آمدن دولت جدید باشد که برای همه، هم در داخل و هم در خارج مسجل بود فردی از همین بدنه قدرت و مشخصا سید ابراهیم رئیسی روی کار خواهد آمد. اکنون که پروژه یکدست شدن قدرت و یکصدا شدن در کل بدنه جمهوری اسلامی ایران شکل گرفته است، آمریکا با فراغ بال به دنبال احیای برجام و توافق با ایران است، چون دیگر مخالفتی با این توافق در داخل ایران وجود ندارد. اکنون که رهبری به طور صریح چراغ سبز برای مذاکره را مطرح کرده است بهترین موقعیت برای دولت بایدن شکل گرفته است که هر چه زودتر مذاکرات را به نتیجه برساند، چون دولت رئیسی اکنون مورد حمایت حاکمیت است. بنابراین همان تعجیلی که برای ایران وجود دارد، برای آمریکا هم وجود دارد. یعنی دولت بایدن باید تا قبل از انتخابات کنگره این توافق را عملیاتی کند

دیدگاه

بین مردم و مسئولان مفاهمه برقرار نیست!

ادامه از صفحه اول / در چنین جوامعی توامان انرژی مردم و مسئولان تلف می‌شود و به تعبیری خرج ارتقای مادی و معنوی مملکت نمی‌شود. تجربه‌های تاریخی گواه موفقیت و پیروزی ملت‌هاست. سوال مهم این است آیا مسئولان نسبت به واقعیت‌های پیدا و پنهان بی‌تفاوت هستند؟ وقتی گزاره قطعی این است جامعه‌ای که محصول رَوَندهای طبیعی است به هیچ عنوان به عقب باز نمی‌گردد. چرا مسئولان در مواجهه با چنین واقعیتی اقدام و عمل‌هایی مثل تغییر و تبدیل قوانین و همچنین بازتولید و باز تعریف بسیاری از معانی و مفاهیم مملکت‌داری نمی‌کنند؟ نکته مهم و کلیدی این است؛ ایران امروز، نیاز به تغییر دارد. پس بهتر است حکمرانان خود بانی تغییر و تبدیل جامعه باشند. نکته‌ای که باید مورد توجه مسئولان باشد این است اکثریت ملت ایران از نظر شکل و ماهیت، متفاوت از ادبیاتِ برخی مسئولان هستند.

یادداشت

رویای اصلاحات

کوروش الماسی
محقق و پژوهشگر

اگر بپذیریم که در جهان علت و معلول‌ها زیست می‌کنیم، آنگاه قابل درک خواهد بود که موفقیت‌ها و ناکامی‌های انسانی در عرصه‌های گوناگون به عنوان معلول، علت یا علت‌هایی داشته‌اند. بنابراین، انبوه و انواع چالش‌های ملی و اجتماعی که زیستی غیر قابل توجیه و توصیفی را برای شهروندان در همه سطوح رقم زده است، می‌طلبد تا پرسش شود، علت یا علت‌های این همه چالش چیست؟ قطعاً، این موجز نمی‌تواند پاسخی جامع به این پرسش دهد. تلاش این موجز اشاره بسیار کلی به «یکی» از بنیادی‌ترین علت‌های انبوه چالش‌های اجتماعی است. «عدم توسعه روشنفکری» بنیادی‌ترین علت انبوه و انواع چالش‌های اجتماعی است. بی‌شک مفهوم «عدم توسعه روشنفکری» نیازمند تبیین است. اما محدودیت یک موجز امکان تبیین قابل قبول را نمی‌دهد. بنابراین، از طریق یک تمثیل، «عدم توسعه روشنفکری» به اختصار تبیین می‌شود. به‌عبارتی، «بیشتر روشنفکران وزنه‌بردار و نه فوتبالیست» هستند. حال واقعیت این است که زیست اجتماعی بازی فوتبال و نه وزنه‌برداری است. بی‌شک همین «خودمحور اندیشی» که ریشه‌های فرهنگی و تاریخی دارد، در کنار این حقیقت که «تولید علم» در عرصه‌های گوناگون از جمله مدیریت سیاسی در دیگر کشورها انجام می‌شود، دلیل و علت نگاه نظری و فکری به بیرون از جامعه ملی شد و می‌شود. با این مقدمه تلاش می‌شود تا به‌طور کلی و به اختصار «ناکامی بخشی» از روشنفکران در عرصه مدیریت سیاسی، تبیین شود. دلیل شکست یا ناکامی اصلاح‌طلبان چیست؟ این تبیین معطوف به اصلاح‌طلبان صادق، با اخلاق و میهن‌دوست و نه آن بخش که اصلاح‌طلبی را مسیر کسب منفعت شخصی تلقی می‌کردند، است. یکی از معضلات جدی و پرهزینه روشنفکری در ایران، درک و تحلیل امور اجتماعی(سیاسی) و انسانی مبتنی بر برخی مفاهیم وارداتی و تلاش برای تولید انواع راهکارها مبتنی بر همین درک و تحلیل‌ها، برای حل و فصل انواع چالش‌های اجتماعی است. به عبارتی، مفاهیم وارداتی همانند گرفتار شدن در باتلاق انواع تلاش‌های دلسوزان را خنثی کرده و می‌کند. مثلاً، بسیاری فعالان اجتماعی و سیاسی، توجهی به این حقیقت کاربردی که مفاهیم به‌ویژه در علوم انسانی و اجتماعی، «تجسم ذهنی امور و پدیده‌های عینی هستند»، ندارند. مفاهیم ریاضی، فیزک، شیمی و... صرفنظر از امور تاریخی، فرهنگی، روانشناختی در هر جامعه‌ای قابل استفاده هستند. اما برخی مفاهیم اجتماعی، سیاسی و... اینگونه نیستند. به عبارتی مفاهیم(سیاسی و اجتماعی) محصول تعامل اذهان با شرایط عینی انسانی، اجتماعی و مادی است. بنابراین، مفاهیمی که در جوامع بسیار متفاوت از حیث تجربیات تاریخی، فرهنگی، روانشناختی و... تولید می‌شود قابل استفاده در هر جامعه‌ای نیستند. اگر امور انسانی و اجتماعی را به شکل ساختاری تصور کنیم، آنگاه می‌توان همه ساختارهای شناخته شده را به دو نوع یا گونه ساختار تقسیم کنیم. ساختارهای پویا و زنده (رودخانه، گیاهان و...) و ساختارهای غیر متحرک و ساکن(ساختمان، آهن و...). اینکه امکان دخالت، مدیریت و کنترل در روند و کارکرد ساختارها پویا و زند وجود دارد. اما امکان دخالت، مدیریت و تغییر در ساختارهای ساکن، غیر متحرک و غیر زنده وجود ندارد. ساختارهای غیر ساکن و غیر پویا دارای طول عمر هستند و بدون توجه به اثرات بیرونی، طول عمر خود را سپری می‌کنند. اگر استدلال فوق منطقی تلقی شود، آنگاه، می‌توان ادعا کرد که انواع ساختارهای اجتماعی اعم از اقتصادی، سیاسی، دفاعی، علمی، آموزشی و... «پیرو منطق ساختارها» می‌باشند. به گواه شواهد تاریخی، نظام‌های سیاسی را می‌توان به دو دسته ساختارهای پویا و ساختارهای ساکن تقسیم کرد. از این رو، اصلاحات پدیده‌ای متعلق به ساختارهای پویا و نه ساختارهای ساکن است. بنابراین، شکست یا ناکامی اصلاح‌طلبان نیتجه خطای تحلیل مبتنی بر مفاهیم و نظریه‌های وارداتی است. ناکامی اصلاح‌طلبان امری کاملا منطقی و اجتناب ناپذیر بود، چراکه، اصلاح یک ساختار مدیریتی که ستون‌های بتونی در تاریخ، متافیزیک و برخی ایدئولوژی‌های غیر کاربردی دارد، حاکی از غیربومی بودن برخی اذهان(اصلاح‌طلب) است. بنابراین، «خطای اصلاح‌طلبان» که منجر به خنثی شدن آنها از عرصه مدیریت سیاسی شد، تلاش برای تحقق برخی اندیشه‌ها، طرح‌ها و اهداف سیاسی مبتنی بر مفاهیم تولید شده در جوامع پویا، در جامعه‌ای که مدیریت کلان مبتنی بر ساختار و مفاهیم غیر پویاست، است.

نگاه

طالبان؛ از شناسایی «دوفاکتو» تا وضعیت زنان

ادامه از صفحه اول / روی طالبان برای اینکه سیستم اداری را باز کنند و خانم‌ها بتوانند به کارشان برگردند، زیاد است. به نظر می‌رسد در دو بخش بهداشت و آموزش هرچند که ملزومات خود را دارند که دختران و پسران باید جدا باشند یا پزشکان مرد نتوانند خانم‌ها را معالجه کنند و محدودیت‌های ایدئولوژیکی دیگری از این دست، اما در این دو بخش اجازه‌ها و گشایش‌هایی را خواهند داشت.» اما در هر صورت طالب صددرصد ایدئولوژیک است و تجربه کشورهای دیگر نشان می‌دهد که هرچند طالب ایدئولوژیک است اما بالاخره یک سری ملزوماتی را خواهد پذیرفت؛ از جمله به دانشگاه رفتن خانم‌ها، کار کردن خانم‌ها و.... طالبان اگر نتواند سیستم بانکی را با حضور زنان راه‌اندازی کند نمی‌تواند خود را اداره کند و به این سمت حرکت خواهد کرد. در سفر روز امیرخان متقی، سرپرست وزارت امور خارجه افغانستان به تهران و دیدار با حسین امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه ایران، نظر می‌رسد طرفین توافق کردند که مسائل مربوط به شناسایی طالبان را از روابط و تعاملات اقتصادی و تجاری جدا کنند، زیرا هم ایران تمایل دارد تجارت با افغانستان را ادامه و افزایش دهد و هم افغانستان برای ترانزیت کالاها از چابهار به ایران احتیاج دارد تا از مسیر ایران براساس قراردادی که پیش از این بین ایران، هند و افغانستان منعقد شده، استفاده کرده و این قرارداد را به نوعی عملیاتی کند، به ویژه با توجه به مشکلاتی که اخیرا تجار افغانی در کراچی پاکستان با آن روبه‌رو شده‌اند.